

کوردستان

ارگان کپسه مرکزی حزب دمکرات کوردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۰۰-ه شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶ ، ۶ می ۲۰۱۷ ، ۵۰۰ تومان

فرهنگیان کرمانشاه:
شرکت در انتخابات تأیید اعدام، کشتار، تبعید و زندانی نمودن آزادیخواهان است
ص۳

احزاب روژهلات
انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستای رژیم ایران را تحریم کردند
ص۳

سخنگوی حدکا:
هجوم ترکیه توجیه ناپذیر است
ص۲

رستم جهانگیری:
کردستان بدون کرماشان، ایلام و ارومیه به مانند کالبدی ناقص است
۷

روحانی،
مهره ای حیاتی برای نظام
۶

بایکوت
چه تغییری ایجادکرده است؟
۴

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در ارتباط با برگزاری ۱۶مین پلنوم کمیته مرکزی
۲

به سوی بایکوت

فارغ از تبلیغات گسترده و مستمر مسئولین رژیم اسلامی ایران در ارتباط با به اصطلاح انتخابات که قرار بر آن است ۲۹ اردیبهشت برگزار شود، تعداد جناح‌هایی نیز که این خیمه‌شب‌بازی را بایکوت و تحریم می‌کنند روز به روز بیشتر می‌شود. مورخ ۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی، ۶ حزب و جناح سیاسی کردستان که عبارتند از "حزب دمکرات کردستان ایران، حزب کومله زحمتکشان کردستان، حزب کومله کردستان ایران، سازمان خبات کردستان ایران، کومله سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران، رفقای پیشین" طی بیانهای مشترک انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی ایران را بایکوت کردند. در بخشی از این بیانیه آمده است: آنچه به عنوان انتخابات در این روز تحت حاکمیت رژیم اسلامی ایران برگزار می‌شود، تحت هیچ معیار دمکراتیک و مدرنی نمی‌تواند انتخاباتی آزاد تلقی شود. در شرایطی که احزاب سیاسی اپوزیسیون رژیم در ایران غیرقانونی اعلام شده‌اند و از فعالیت آنها جلوگیری می‌شود، ابراز آزادی بیان در سراسر ایران جرم انگاشته می‌شود و ملت کرد از ابتدایی‌ترین حقوق ملی و انسانی خود محروم می‌باشد، این انتخابات به معنای محروم‌کردن شهروندان کرد از حق تعیین سرنوشت خود است و به عنوان عملی در راستای تداوم حاکمیت مستبد و دیکتاتور جمهوری اسلامی در ایران می‌باشد. در ادامه این بیانیه خطاب به تمام طبقات و قشرهای کردستان آمده است: از همه مردم کردستان می‌خواهیم به عنوان واکنشی قاطع در مقابل این محرومیت‌ها و نبود حقوق؛ در انتخابات بیست و نهم اردیبهشت‌ماه شرکت ننمایند و با عدم مشارکت در این انتخابات نمایشی پیامی روشن از اراده و اتحاد در مقابل رژیمی که حقوق انسانی و مشروع شما را نقض می‌کند به گوش جهان برسانید. تحریم فعال این انتخابات نمایشی در همان حال راهی برای مقابله با تحمیل هر

در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

در این بیانیه آمده است: چهار سال دیگر از عمر ننگین ولایت فقیه در انتخابات شورای شهر و نیز ریاست جمهوری به پایان رسیده است چهارسال از عمر به اصطلاح رئیس جمهوری که خود را با ماسک دفاع از مردم بر آنان تحمیل شد و حاصل این چهار سال چیزی جز جنایت و سرکوب و زندانی کردن آزادیخواهان و اعدام آنها چیزی دیگری نداشته است. این بار نیز به مانند این سی و هشت سال جز گرانی و بیکاری و چپاول چیزی نصیب ما مردم نگردیده است، در راستای این موارد ما جمعی از دبیران دبیرستان‌های کرمانشاه به برگزارکنندگان این خیمه شب بازی‌ها واقعی نمی‌نهیم و در این انتخابات شرکت نمی‌کنیم چرا که شرکت در انتخابات را تأیید اعدام و کشتار و تبعید و زندانی نمودن آزادیخواهان می‌دانیم و بر این باوریم مردم فهیم و مبارز شهرمان در راستای پشتیبانی از نیروهای مبارز و آزادیخواه و تحریم‌کننده انتخابات وظیفه

انقلابی خود را به نمایش می‌گذارند. در همین راستا مجموعه‌ای از معلمین شهر پاره نیز با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از بایکوت و تحریم انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا اعلام کردند و علاوه بر اشاره به دسته‌بندی‌های ظاهری رژیم برای فریب افکار عمومی از مردم کردستان خواستند با عدم حضور در پای صندوق‌ها بار دیگر وفاداری خود را به احزاب کردستان نشان دهند. علاوه بر جناح‌های کردستانی، ۱۰ اردیبهشت تعدادی از طوایف معروف بلوچستان مانند "بهورایی، محمد حسنی، علم خان و خدا نورخان" به تحریم انتخابات پرداختند و اعلام کردند: ما ملت بلوچ هیچگاه در نمایش انتخاباتی رژیم شرکت نخواهیم کرد. خون شهدایمان را فراموش نخواهیم کرد. در بخش دیگری از این بیانیه آمده است: همانگونه که می‌دانید نزدیک به ۴ دهه از عمر مالا مال سیاهی حاکمین ناشایست و ظالم بر این سرزمین می‌گذرد و همیشه این غارتگران با به راه انداختن نمایش انتخابات مردم

محروم از حقوقشان را به پای صندوق‌ها کشانده‌اند تا از این طریق برای خود مشروعیت کسب کنند پس بیایید ما این مشروعیت را به آن‌ها ندهیم. همچنین کنگره ملیت‌های فدرال طی بیانیه‌ای خطاب به ملیت‌های تحت ستم ایران اعلام کردند انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستا را تحریم وبایکوت می‌کنند. در این بیانیه آمده است: کنگره ملیت‌های ایران فدرال از همه‌ی ملیت‌های تحت ستم مضاعف، و همه‌ی آزادیخواهان، فعالین مدنی و سیاسی ایران می‌خواهد که درمقابل این بیداد و آزادی‌گشی رژیم، در انتخابات ۲۹ اردیبهشت شرکت نکنند و با این عمل خود، پیامی روشن به رژیم و مردمان آزادیخواه جهان بدهند. رژیمی که ازهیچ گونه سرکوب، تبعیض و جنایتی، ابایی نداشته و ندارد. بایکوت هماهنگ و همه جانبه نمایش انتخابات، ازطرف ملیت‌ها و همه‌ی آزادیخواهان ایران می‌تواند هم، راهی در جهت جلوگیری از سرکوب و فشار بیشتر به بهانه انتخابات باشد و هم به رسالت آزادیخواهانه خود عمل کنند.



در همین راستا گروه "اتحاد برای دمکراسی در ایران" روز جمعه ۱۵ اردیبهشت شمسی طی بیانیه‌ای انتخابات ریاست جمهوری رژیم را به نمایش تشبیه کرده و از نیروهای دمکراسی‌خواه و فعالین سیاسی خواستند که در انتخابات شرکت نکنند. در بخشی از این بیانیه آمده است: "اگر در گذشته، مشارکت در انتخابات به معنای انتخاب مابین بد و بدتر بوده اما امروز واقعیت‌ها نشان دهنده این امرست که این انتخابات حتا حداقل معنای خود را نیز از دست داده است و این انخابات تنها در میان افراد کاملاً وابسته به ولی‌فقیه انجام می‌شود و کاملاً مهندسی شده می‌باشد". در همین راستا "شاهین زوقی تبار" زندانی سیاسی در زندان کوهردشت و "ارژنگ داودی" زندانی سیاسی در زندان زایل به صورت جداگانه نمایش انتخابات رژیم را تحریم و بایکوت کردند و از مردم خواستند که با فریادی رسا و آشکار به خواست‌ها ناروای عوامل ولی‌فقیه "نه" بگویند.

سخن

هدف ما

کریم پرویزی

"ما که تصور نمی‌کردیم روزی صاحب چاپخانه و انتشارات شویم، حال با یاری پروردگار اولین شماره روزنامه "کوردستان" را منتشر کرده‌ایم، این روزنامه که از سوی حزب دمکرات کردستان منتشر می‌شود قصد آن دارد، بنایی فولادین از اتحاد و برادری ایجاد کند که بنیادش را علم و هنر و سلامت تشکیل می‌دهد تا بتواند در مقابل سیلاب دو دستگی و تفرقه و هر رفتاری که به ضرر استقلال باشد، مقاومت و ایستادگی کند. امیدواریم این بنا که مستمرا آنرا مستحکم‌تر می‌کنیم از چنان استحکامی برخوردار شود که هیچ نیرویی نتواند علیه آن بایستد". سید محمد حمیدی نوشته بالا بخشی از سرمقاله اولین شماره روزنامه "کوردستان" است که در ۲۰ دی ۱۳۲۴ برابر با ۱۱ ژانویه ۱۹۴۶ در مهاباد، پایتخت جمهوری کردستان منتشر شده است. این بنا که حزب دمکرات آنرا پایه‌ریزی کرد، ۷۰ سال است که بر روی پاهای خود ایستاده و نه تنها احتمال فروریختن آن وجود ندارد بلکه با سپری شدن روز، ماه و سال محکم‌تر و مستحکم‌تر از گذشته به قلعه مقاومت و روشنفکری و چشم‌بیدار و تیزبین جامعه کردستان بدل شده است. ۷۱ سال از انتشار اولین شماره کوردستان و ۷۱ سال از تاسیس و اعلام موجودیت جمهوری کردستان گذشته است که با احتساب شماره اخیر روزنامه، تا کنون ۷۰۰مین شماره آن منتشر شده است. در واقع باید آنرا ۷۰۰مین طبقه‌ی بنای ثبت افتخارات و آمال و آلام‌های ملتی مبارز و با اراده همچون کرد دانست. روزنامه کوردستان همانگونه که در بخشی از سرمقاله "سید محمد حمید" آمده است، به قلعه‌ی فولادینی بدل شده تا ملتی آرزوهای استقلال خود را در آن نظاره‌گر باشد. برای آنکه این ملت بتواند خود را با عصرش همراه کند و بتواند از پیشرفت‌های روز، بهره گیرد و بنایی از اتحاد بر پایه علم و هنر و سلامت اجتماعی بنیاد نهد. هدف روزنامه کوردستان آن بوده که زبان فصیح ملتی باشد که قصد نابودی زبانش را دارند. بر آن بوده که پیشرفت علم روز و دستاوردهای ملل دیگر را با زبان کردی نوشته و ملت

ادامه در صفحه‌ی ۲

بیانیه دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در ارتباط با برگزاری ۱۶مین پلنوم کمیته مرکزی



کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران منتخب کنگره ۱۵م حزب، شانزدهمین پلنوم خود را با حضور اعضای اصلی و علی‌البدل کمیته مرکزی و نیز نماینده اعضای رهبری حزب در خارج برگزار کرد. پلنوم در ساعت ۹صبح روز شنبه، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی، برابر با ۲۹ آوریل ۲۰۱۷ میلادی و با یک دقیقه سکوت به احترام یاد و خاطره شهیدان کردستان، آغاز به کار نمود. در ابتدای آغاز به کار پلنوم دبیرکل حزب دمکرات، مصطفی هجری، در مورد دستور کار پلنوم که پیشتر به اطلاع حاضرین رسیده بود به ایراد سخنانی پرداخت و بعد از تأیید دستور کار پلنوم، موارد ذکر شده در دستور کار مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. بخش اول موضوعات پلنوم به بحث در مورد طرحی از سوی دبیر کل حزب در باب لزوم تغییر در ساختار حزب اختصاص داده شد که پیشتر در اختیار اعضای رهبری حزب قرار گرفته بود. در همین راستا اکثریت قریب به اتفاق حاضرین در پلنوم با تأکید بر لزوم ایجاد تغییر در

هم‌رایی و نزدیک شدن حزب و جناح‌های سیای کردستان، با این احزاب و جناح‌های سیاسی نشست و گفتگو داشته است. پلنوم با بررسی و تحلیل نتایج هر نشستی، استمرار این نشست‌ها را برای نزدیک شدن دیدگاه‌ها و هم‌رای شدن ضروری دانست و در این باره دفتر سیاسی را موظف کرد. شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی بعد از سه روز کار و بحث و تبادل نظر، ساعت یک بعداز ظهر روز ۲شنبه ۱۱ اردیبهشت برابر با ۱می ۲۰۱۷ به کار خود پایان داد.

روش از مبارزه و وسعت بخشیدن به دامنه نفوذ آنرا لازم و مهمترین وظیفه‌ی حزب دمکرات کردستان ایران دانست، در همین راستا با تحلیل همه جانبه این موضوع در مورد تعدادی برنامه و راهکار ویژه بر هرچه بهتر پیش بردن راسان به تبادل نظر پرداختند و ارگان‌های مرتبطه را برای اجرائی کردن آن موظف نمودند. پلنوم با در نظر گرفتن اهمیت راسان و تأکید بر راهکارها و برنامه‌هایی که در این ارتباط مشخص کرده است، تصمیم گرفت در راستای اجرائی کردن وظایف مرتبط با راسان، کنگره ۱۶م حزب را برای مدتی به تعویق بیندازد. آخرین بخش کار پلنوم بررسی گزارشات هیئت‌های حزب بود که طی ایام گذشته در راستای ایجاد

در دستور کار خود قرار دادند. حاضرین در پلنوم با اشاره به این حقیقت که غمایش به اصطلاح انتخابات، از سوی سازمان‌های سرکوبگر رژیم چنان طراحی می‌شود که در نهایت نامزد‌های مورد پسند حکومت نامشان از صندوق خارج شود و عملاً نایبده رژیم هستند و در چارچوب سیاست‌های رژیم گام برمی‌دارند، موضع دفتر سیاسی و ۵حزب دیگر کردستان را به تصویب رساندند. بخش دیگر پلنوم به بحث درباره "راسان" و لزوم تداوم این روش از قیام "شاخ" و "شار"، اختصاص داده شد. حاضرین در پلنوم با تأکید براهمیت راسان و امیدبخش بودن آن برای مردمان کردستان و نیز ارتقای روحیه کادر و پیشمرگه از این طریق، استمرار و تداوم این

برگزاری کنفرانس‌ها و نتیجه هر کدام از این کنفرانس‌ها را تقدیم حاضرین در جلسه کرد و اعضای رهبری حزب را از چگونگی اجرای امور مرتبط با کنگره مطلع ساخت. پلنوم نیز با اشاره به تعدادی از کاستی‌های مرتبط با این موضوع، راپورت کمیته آماده کاری برای کنگره را تصویب کرد. بخش دیگری از دستور کار پلنوم به بحث درباره موضع دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در رابطه با انتخابات ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی در جمهوری اسلامی اختصاص داشت، که بنابر موضع مذکور حزب دمکرات کردستان ایران و ۵ حزب و جناح سیاسی کردستان ایران بعد از بررسی شرایط موجود و تبادل نظر و با توجه به بی‌نتیجه بودن این انتخابات، بایکوت آنرا

ساختار حزب، به اظهار نظر در این مورد و بیان عقایدشان در این باب پرداختند که در نهایت بر این امر تأکید شد که برای مشورت بیشتر، نظر و دیدگاه دلسوزان حزب، به ویژه اعضای حزب دمکرات کردستان ایران در باب تغییر ساختار حزب و هر طرح مرتبط دیگری، پرسیده شود و هیئتی که از چند عضو کمیته مرکزی تشکیل شده است بعد از تحلیل و بررسی نظرات و پیشنهادات و طرح‌های رسیده، طی مدت زمان مشخص طرحی برای تغییر در ساختار حزب به منظور ارائه در کنگره ۱۶م حزب، به تصویب کمیته مرکزی برساند. در ادامه کار پلنوم، مسئول کمیته آماده کاری برای کنگره ۱۶م، گزارشی در باب امور مرتبط با کنگره ۱۶ حزب، به ویژه نحوه

ادامه سخن

کرد را از آن آگاه سازد. بر آن بوده که هم حرمت هنر را نگه دارد و هم هنر کردستان را تعالی بخشد و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکرده است. قصد آن داشته که ترویج دهنده اخلاقی سالم و متمدنامه باشد که جامعه کردستان را از آسیب‌های اجتماعی دور سازد و به استقلال ملی و اجتماعی نزدیک سازد. آنچه‌که ذکر شد اهداف روزنامه کوردستان از ابتدا تا ۷۰۰مین شماره آن بوده و در واقع هفتصدمین طبقه از این قلعه فولادین بوده که می‌توانیم از آن همچون پرنسپ‌های ارزشمند اخلاق و اهداف مطبوعات کردی یاد کنیم. برای ساخت هرکدام از این هفتصد طبقه در طول این ۷۱ سال، از اندیشه‌ی مترقی هزاران نویسنده و روشنفکر و کادر و پرسنل فنی و مبارزینی که وظیفه رساندن روزنامه کوردستان به دست عاشقان و علاقمندان را داشته‌اند، بهره‌ها برده شده است. آنان رنج‌ها و زحمت‌های فروانی کشیده‌اند و حتی در این راه جان خود را از دست داده‌اند. کم نیستند آنانی که تنها به جرم داشتند صفحه‌ای از روزنامه کوردستان بازداشت شده و مورد شکنجه قرار گرفته‌اند و حتا در زیر شکنجه، به دست جلادان پهلوی و رژیم ولایت فقیه به شهادت رسیده‌اند. به نمایندگی از هیئت تحریریه و متصدیان روزنامه کوردستان، قدردان آن همه زحمت و رنج و مبارزه تمام کسانی هستیم که طی این ۷۱ سال و ۷۰۰ شماره، از این بنای فولادین محافظت کرده‌اند و آنرا روز به روز مستحکم‌تر و بزرگتر کرده‌اند. یاد تمام فعالین روزنامه کوردستان از آغاز به کار آن تا به امروز را گرامی می‌داریم. امروز نیز علاوه بر پیشمه‌رگه‌های درون سنگر روزنامه کوردستان، ده‌ها نفر از اقصی نقاط جهان یاری دهند دفاع و وسعت بخشیدن به این قلعه هستند. دستان مهربانشان را می‌فشاریم و انتشار ۷۰۰مین شماره روزنامه را به همه تبریک می‌گوییم.

سخنگوی حدکا:

هجوم ترکیه توجیه ناپذیر است



حسن شرفی، سخنگوی حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای اعلام کرد، تجاوز ارتش ترکیه به خاک کردستان بنابر هیچ قانونی توجیه پذیر نیست و خلاف عرف بین‌المللی است.

متن کامل بیانیه:

ساعت ۲ بامداد سه‌شنبه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۶ شمسی -۲۵ آوریل ۲۰۱۷ میلادی- نیروی هوایی ارتش ترکیه هجوم گسترده‌ای علیه پیشمرگه‌های اقلیم کردستان، گریلاهای پ.ک.ک و مبارزین کردستان سوریه در شنگال انجام داد که طی آن چندین نفر شهید و زخمی شدند و خسارات وسیعی را نیز متوجه هر دو طرف کرد. این تهاجم از سوی ارتش کشوری همسایه بنابر هیچ قانونی توجیه پذیر نیست و خلاف عرف بین‌المللی‌ست.

حزب دمکرات کردستان ایران علاوه بر ابراز غم و اندوه خود، خود را همدرد خانواده‌ی شهیدان این واقعه می‌داند و بهبودی آسیب‌دیدگان رویداد مذکور را آرزومند است.

احزاب روژهلالت انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستای رژیم ایران را تحریم کردند



شش حزب سیاسی روژهلالت در نشست مشترک بر تحریم انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستای رژیم ایران به توافق رسیدند.

روز پنج‌شنبه هفتم اردیبهشت‌ماه، شش حزب سیاسی روژهلالت، جهت بررسی و اتخاذ موضع مشترک نسبت انتخابات ریاست جمهوری و شورای شهر و روستای رژیم ایران در مقر حزب کومله، سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران گردهم آمدند. در این نشست، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی محمدنظیف قادری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران حضور داشت.

احزاب روژهلالت: انتخابات را تحریم می‌کنیم و از مردم کردستان می‌خواهیم در انتخابات شرکت نکنند



انتخابات نمایشی در همان حال راهی برای مقابله با تحمیل هر نوع فشار و سرکوب تحت عنوان انتخابات است. از تمامی فعالان عرصه‌های مبارزه اجتماعی و مدنی، فعالان سیاسی، جریانات و شخصیت‌های سیاسی می‌خواهیم با استقبال از این فراخوان و نیرومندتر کردن صفوف اتحاد به وظیفه آزادیخواهانه خود عمل نمایند. حزب دمکرات کردستان ایران حزب کومله زحمتکشان کردستان حزب کومله کردستان ایران سازمان خبات کردستان ایران کومله - سازمان کردستانی حزب کمونیست ایران رفقای

هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۶

بیست و هفتم آوریل ۲۰۱۷

فعالیت آنها جلوگیری می‌شود، ابراز آزادی بیان در سرتاسر ایران جرم انگاشته می‌شود و ملت کرد از ابتدایی‌ترین حقوق ملی و انسانی خود محروم می‌باشد، این انتخابات به معنای محروم کردن شهروندان کرد از حق تعیین سرنوشت خود است و به عنوان عاملی در راستای تداوم حاکمیت مستبد و دیکتاتور جمهوری اسلامی در ایران می‌باشد. در این رابطه از همه مردم کردستان می‌خواهیم به عنوان واکنشی قاطع در مقابل این محرومیت‌ها و نبود حقوق؛ در انتخابات بیست و نهم اردیبهشت‌ماه شرکت نمایند و با عدم مشارکت در این انتخابات نمایشی پیامی روشن از اراده و اتحاد در مقابل رژیمی که حقوق انسانی و مشروع شما را نقض می‌کند به گوش جهان برسانید. تحریم فعال این

شش حزب سیاسی روژهلالت در بیانیه‌ای مشترک انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و روستا را تحریم کردند. متن این بیانیه که در اختیار وبسایت کوردستان میدیا قرار گرفته، عیناً درپی می‌آید: بیانیه‌ی توده‌های مردم مبارز کردستان! جمهوری اسلامی ایران بیست و نهم اردیبهشت‌ماه امسال، انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و روستا را برگزار می‌کند. آنچه به عنوان انتخابات در این روز تحت حاکمیت رژیم اسلامی ایران برگزار می‌شود، تحت هیچ معیار دمکراتیک و مدرنی نمی‌تواند انتخاباتی آزاد تلقی شود. در شرایطی که احزاب سیاسی اپوزیسیون رژیم در ایران غیرقانونی اعلام شده‌اند و از

فرهنگیان کرمانشاه: شرکت در انتخابات تأیید اعدام،

کشتار، تبعید و زندانی نمودن آزادیخواهان است



میزان واردات نفت خود از ایران را به شدت کاهش خواهند داد. هند بعد ازچین بزرگترین خریدار نفت از ایران است و یکی از معدود کشورهایی است که به رغم تحریم‌های غرب علیه برنامه اتمی جمهوری اسلامی، از ایران نفت خریداری می‌کرد.

واردات نفت از ایران را به ۱۹۰ هزار بشکه در روز کاهش می‌دهد. او از پالایشگاه‌های کشورش خواسته است واردات خود را از ایران کاهش دهند. مسئولین "دهلی نو" پیشتر مسئولین ایرانی را مطلع ساخته بودند که در صورت عدم تعلقی امتیاز توسعه میدان گازی "فرزاد بی" به کنسرسیومی از این کشور،

دولت هندوستان قصد دارد که واردات نفت از ایران را به میزان چشم‌گیری کاهش دهد. نشریه "تایم" طی گزارشی اعلام کرد: دولت هندوستان در تلاش است که خرید نفت از ایران را به میزان ۲۵ درصدنسبت سال گذشته کاهش دهد. وزیر نفت هند به نماینده شرکت ملی نفت ایران اطلاع داد که کشورش



برگزارکنندگان این خیمه شب بازی‌ها وقتی نمی‌نهییم و در این انتخابات شرکت نمی‌کنیم چرا که شرکت در انتخابات را تأیید اعدام و کشتار و تبعید و زندانی نمودن آزادیخواهان می‌دانیم و بر این باوریم مردم فهیم و مبارز شهرمان در راستای پشتیبانی از نیروهای مبارز و آزادیخواه و تحریم‌کننده انتخابات وظیفه انقلابی خود را به نمایش می‌گذارند.

گروهی از دبیران دبیرستان‌های کرمانشاه

انتخابات شورای شهر و نیز ریاست جمهوری به پایان رسیده است نیاز به تکرار این نمیرود که در این چهار سال آخری جز جنایت و سرکوب و زندانی نمودن آزادیخواهان و اعدام آنها این به اصطلاح ریاست جمهور که خود را با ماسک دفاع از مردم تحمیل نمود رو به پایان است. این بار نیز به مانند این سی و هشت سال جز گرانی و بیکاری و چپاول چیزی نصیب ما مردم نگردیده است، در راستای این موارد ما جمعی از دبیران دبیرستان‌های کرمانشاه به

شماری از دبیران دبیرستان‌های کرمانشاه با انتشار اطلاعیه‌ای اعلام کرده‌اند که از شرکت در انتخابات رژیم خودداری خواهند کرد. متن این اطلاعیه که در اختیار وبسایت کوردستان میدیا قرار گرفته، عیناً درپی می‌آید: اطلاعیه جمعی از دبیران دبیرستان‌های کرمانشاه در رابطه با انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای شهر و روستا مردم مبارز کرمانشاه همانطور که مطلع هستید دوباره چهار سال دیگر از عمر ننگین ولایت فقیه در

کردستان ایران

بایکوت چه تغییری ایجادکرده است؟



- کریم پرویزی**

- م: شهرام میرزائی**

موضوع بایکوت کردن یا مشارکت در انتخابات از مباحث مهم و اصلی مابین نیروها و جناح‌هایسیاسی و فعالین ایران به ویژه کردستانطی چندین دهه اخیر بوده استو در ایام نزدیک به این خیمه شب بازی بخشی از همان سخنان و تحلیل‌ها و موضع‌گیری‌ها دوباره تکرار می‌شود.در واقع همه دوره‌های به اصطلاح انتخابات در شرایط یکسان و اوضاع مشابهی برگزار نشده است. می‌توانیم دوره‌های به اصطلاح انتخابات در ایران را به چهار دسته تقسیم کنیم: انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس، انتخابات خبرگان و شوراها. به طور کلی انتخابات خبرگان بجز دور اول آن در سال ۱۳۵۸،اهمیت چندانی برخوردار نبود و در فضای سیاسی ایران به آرامی برگزار شده است و مردم هم آنچنان حساسیتی در قبال آن نداشته‌اند و اگر گهگاه نیز رژیم اسلامی ایران کوشیده تا برای آن بازار گرمی کند باشکست روبرو شده و به مانند امری حاشیه‌ای در میان رویدادهای سیاسی سپری شده است.

انتخابات شورای شهر و روستا: اولین دور انتخابات شوراها در ابتدای انقلاب ملیت‌های ایران، در بعضی از نقاط به صورت خودجوش برگزار شد و در شهری همچون سنجند، شورایی مردمی تشکیل شد. اگرچه راهکارها و چگونگی برگزاری آن مشکلاتی داشت و بیانگر آرا و دیدگاه‌های همه مردمان نبود اما از آنجا که از دل مردم برخاسته بود به مانند رویدادی تاریخی ثبت شده است. بعدها رژیم مانع از تکرار این رویداد شد تا در دوران به اصطلاح اصلاح‌طلبان، انتخابات شورای شهر و روستا دوباره برگزار شد و از آن رو که شورا"سیاسی" نبود، رژیم در گزینش نامزدها از فیلتری آنچنانی استفاده نکرد و این امر موجب شد تا تعدادی از نمایندگان واقعی مردم بتوانند وارد شوراها شوند و بعدها که معلوم شد خلق توانسته از این فرصت پیش آمده استفاده کند حکومتداران رژیم ولایت فقیه این روزنه را نیز مصدوم کردند و فیلترگزینش را تا حد ممکن تنگ کردند و نهایتا شورای شهر و روستا به محلی برای فساد

و تمامیت‌خواهانه‌ای تنگ و تنگ‌تر شد و اگر گاهی اوقات نامزدی به صورت اتفاقی از فیلترها می‌گذشت و در دوران حضورش در مجلس رفتارش مطابق میل و خواست رژیم نبود در دوره بعدی رد صلاحیت می‌شد. رژیم از همان مرحله آغازین که شامل نامزد شدن است، اصل انتخاب آزاد و دموکراتیک را پایمال و آزادی را خفه کردند. اگر طی این سال‌ها صدها و هزاران نفر خود را نامزد کرده باشند، شورای نگهبان با تیغ بی‌شمانه‌ی سانسور، آن‌ها را رد کرده و تنها افراد پایبند و قسم خورده به نظام یا افرادی که ناتوان و بدون پایگاه اجتماعی بوده‌اند را تأیید کرده است. البته باید گفت، این پروسه در کردستان بر همین منوال مدیریت شده است در حالی که در مناطق دیگر ایران به ویژه در مرکز،مدیریت معادلات به گونه‌ی دیگری بوده است. در واقع در این مناطق رقابت مابین باندهای رژیم تعیین کننده فیلترها بوده است. البته در مراکز و شهرهای بزرگ ایران بجز وابستگی به باندهای رژیم، تمام کسانی که لیبرال یا سوسیالیست یا مشروطه‌خواه یا گزایشی به مجاهدین و ... داشته‌اندتماماردا صلاحیت شده‌اند.

در مرحله‌ی دوم که شامل پروسه‌ی تبلیغات انتخابات و رای دادن و شمارش آرا و تأیید نهایی نتیجه‌ی انتخابات بوده است، رژیم در هر دوره‌ای توطئه‌ی متناسب با شرایط موجوددر چنته داشته و در هر دوره‌ای نیز تجربه‌ی خاصی در باب مهندسی انتخابات کسب کرده و در دوره‌های بعدی از آن بهره برده است. نتیجتا، رژیم با مهندسی انتخابات نام آنکس را که خواسته و باب دلش بوده از صندوق بیرون کشیده است. در واقع خیمه شب بازی انتخاباتبه پروسه‌ای بدل شده تا رژیم از آن طریق مردم را به پای صندوق‌های رای بکشاند و مردم اینگونه احساس کنند که بر امور سیاسی تأثیرمیگذارند و در نهایت رژیم بتواند به اهداف خود برسد و بعد از اتمام این پروسه مردم نیز برای بار دیگر با دستان خالی به خانه‌هایشان برگشته‌اند. با تمام فیلترها و تمامیت‌خواهی ذاتی رژیم، اگر مرحله‌ی دوم این به اصطلاح انتخابات فارغ از دست‌کاری و تحریف می‌بود، یا به عبارت دیگر رای واقعی مردم کننده می‌بود که چه کسی انتخاب شده و چه کسی نه، امکان بهره جستن از کوچکترین فرصت از این به اصطلاح انتخابات وجود داشت تا از این طریق مردم فریاد خود را برآورند و در این میان اگر هم غی‌توانستند نمایندگی واقعی خود را به مجلس بفرستند حداقل با رای و موضع‌گیریشان اعلام می‌کردند که آنچه مورد پسند رژیم است را نمی‌خواهند و کس دیگری را انتخاب کرده‌اند، اما تجارب پیشین این را به اثبات رسانده که رژیم نام آنکس را که می‌خواهد از صندوق بیرون می‌آورد، حال مردم به او رای داده باشند یا نه، مهم نیست.

انتخابات ریاست جمهوری

این به اصطلاح انتخابات داستان دیگری دارد. چندین دوره از انتخابات ریاست جمهوری رژیم اسلامی ایران برگزار شده است و هر دوره نیز

تحت شرایط خاصی برگزار گردیده و رژیم در هر دوره برنامه‌ی خاص خود را اجرا کرده است. برخلاف انتخابات شوراها و مجلس و خبرگان، انتخابات ریاست جمهوری ازهمان دور اول از فیلترهای ویژه‌ی خود برخوردار بود و تماما مهندسی شده و سیستماتیک برگزار شد. اما ویژگی بارز و عیان ریاست جمهوری در سیستم ولایت فقیه این بود که بجز "خامننه‌ای" که بعدها خود به ولایت فقیهی رسید و "رجائی" که کشته شد، تمام رئیس‌جمهورها بعد از اتمام دوران ریاست جمهوری‌شان مورد خشم و غضب سیستم حاکمقرار گرفتند و به عنوان دشمن یا عامل فتنه و یا خرابکار نامیده شده‌اند و حتی به کسی چون بنی‌صدر اصلا اجازه ندادند دوران ریاست جمهوری‌اش تمام شود و او را مجبور کردند با فرار از ایران جان خود را نجات دهد. نمایش انتخابات ریاست جمهوری رژیم از همان روز اول آغازش تا ثبت‌نام نامزدها و ردصلاحیت‌ها و مهندسی آرا و مدیریت گفتمان حاکم و نهایتا بیرون آمدن خواست رژیم از صندوق‌ها، همه با برنامه‌ای از پیش تعین شده اجرائی شده و رژیم با تمام توان خود سوراخ سنبه‌های آنرا گرفته است. اما از همه مهمترسیاستی است که رژیم در انتخابات ریاست جمهوری تعقیب می‌کند یعنی مشخص کردن چارچوبی سیاسی و برنامه کاری و ایجاد نوعی بازی در بستری که نهایتا رژیم برنده آن باشد و در این میان نیز دست به بازی و چیدن توطئه‌های متنوعی زده‌اند تا از این طریق مردم را به پای صندوق‌ها بکشانند و چنان مردم و جناح‌های سیاسی داخلی و خارجی را بازی دهند که در هر دوره از انتخابات احساس کنند این دوره متفاوت بوده و از اهمیت بسزائی برخوردار است و در پایان ندانند چرا اینگونه شد؟! در سطح فکر و اندیشه و دیدگاه جامعه نیز، رژیم از نمایش انتخابات در راستای کنترل چارچوب سیاست و اندیشیدن در ایران بهره برده است و آنچنان مردم را در میدان ایدئولوژی اسلامی ولایت فقیه یعنی امت واحده اسلامی تحت رهبری نماینده امام زمان چرخانده که هیچ شکی ایجاد نشود که بجز عقاید و رفتار مطلوب رژیم، گزینه‌ی دیگری نیز ممکن هست. رژیم در خیمه‌شب‌بازی انتخابات ریاست جمهوری، هم چارچوب بازی سیاسی را مشخص می‌کند و هم زاویه دید مردم نسبت به سیاست و بازی سیاسی را. رژیم اسلامی ایران در این انتخابات چندین هدف را دنبال می‌کند تا از آن طریق بتواند به اهداف شوم خود برسد کهعبارتند از: - تعیین کننده نهایی نقش و تأثیر و نتیجه همه چیز، تنها و تنها ولی فقیه و بیت رهبری‌ست. - مردم ایران مردمانی ناآگاه هستند که هر لحظه امکان فریب‌شان از سوی بیگانگان و دشمنان اسلام وجود دارد و به بیراهه کشیده شوند به همین خاطر لازم است که عقل و بصیرت ولی فقیه از طریق شورای نگهبان راهنمایشان باشد. - تنها یک امکان برای انتخاب وجود دارد و آنهم انتخاب از میان صالح و اصلح است که در گفتمان به اصطلاح اصلاح طلبان و ورشکستگان خارج نشین توجیه گر

اعمال رژیم، به نام "انتخاب میان بد و بدتر" تبدیل و توجیه گشته است. - هر نوع هویت و شناسه سیاسی و گروه متفاوتی باید پاک و حذف شود و خود را باید در هویت مشخص شده از سوی رژیم تعریف کند. - رئیس‌جمهور ویترینی‌ست برای بازتولید ممتد مشروعیت رژیم از طریق حضور گسترده مردمی گله وار. -رژیم خواهان جامعه‌ای که دارای گروه‌بندی و دسته‌بندی و قشرهای متفاوت و مجزا باشد نیست، بلکه جامعه را همانند گله‌ای می‌بیند که با حرکات چوب‌دستی چوپان این سو آن سو می‌رود.- - فرصت کوچکی ازدریچه تنگ قدرت هم که برای رئیس‌جمهور به وجود می‌آید در میان گروه‌های درون حکومت و باندهای رژیم دست به دست می‌شود تا بالانس قدرت به نفع بخشی از حاکمیتتمام نشود و در این میان ولی فقیه به حاشیه رانده نشود، در این مورد می‌توانیم به خوانش درست از رد صلاحیت‌های رفسنجانی و احمدی نژادو گروه‌های به اصطلاح راست و چپ حاکمیت در دوره‌های مختلف برسیم.چرا که هربار وقتی بالانس قدرت به نفع جناح خاصی نامتوازن می‌شود، در دوره‌ی بعدی جبران مافات می‌شود تا "فصل‌الخطاب" همچنان ولی فقیه باشد. - رئیس‌جمهور و سازمان‌های اجرائی تحت امرش که در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای تحت امر ولی فقیه قدرت آنچنانی ندارند باید نقش سپری را بازی کنند تا همه گندکاری‌های رژیم به نام آن‌ها تمام شود تا همچنان دامن ولی فقیه پاک نشان داده شود. آنچه در سطور بالا ذکر شد نکات کلیدی و اصلی استراتژی جمهوری اسلامی ایران در انتخاب ریس‌جمهور"فاقد قدرت وحراف" است و در این میان تنها چیزی که عاید باند مطبوع رئیس‌جمهور می‌شودجنبه‌های مادی‌ست که این اجازه را به آن می‌دهد تاامتیازات مادی بی‌شماری را به تاراج برد و مردم نیز فقیرتر از همیشهو سیاست نیز در ایران انحصاری‌تر از گذشته باشد. بایکوت یا مشارکت حال سوال اساسی اینست که بایکوت کردن یا مشارکت کدامیک می‌تواند موجب تغیر شود؟ آنچنان که تجربه‌ی چندین ساله‌ی حکومتداری ظالمانه رژیم اسلامی ایران به اثبات رسانده است، عدم تأثیر حضور مردم در انتخابات بر نتیجه نهایی انتخابات می‌باشد و در هر دوره و مرحله‌ای،رژیم بنابر لزوم، دست به توطئه زده و صحنه نمایش را بنابر خواست خود طراحی کرده است و آن هنگام نیز که مهندسی انتخابات مورد قبول مردم نبوده و افرادی خواسته‌اند دسته اعتراض بزنند –چمانند سال ۱۳۸۸- با کشتار و شکنجه و تجاوز روبرو شده‌اند و باندهای ناراضی رژیم نیز سکوت اختیار کرده‌اند چرا که در تظاهرات مردم اساس و بنیاد رژیمشان مورد خطر قرار گرفته است و در نهایت باولی فقیه همراه شده‌اند. این باندها بعد از چند سال نیز که فکر می‌کنند مردم آن رویدادها را به فراموشی سپرده‌اند، همچون خامنه‌ی،درخواست دوستی با ولی فقیه را به میان می‌کنشد و خامنه‌ای نیز آن‌ها را آشتی نمی‌دهد! در حالت کلی در ایران نه ریاست جمهوری از قدرتی برخوردار است

کردستان

که در راستای منافع مردم آنرا به کار گیرد و نه به کسی که کمی بد باشد اجازه می‌دهند کاندید شود و نه اجازه می‌دهند که رای مردم آنچنان تأثیری داشته باشد که حتی از میان مهره‌های انتخاب شده رژیم کسی انتخاب شود. در چنین پروسه‌ی از پیش تعین شده‌ای، فرصت هیچ چیزی وجود ندارد و مشارکت تنها به حضور مردم در پای صندوق‌ها نمایش ختم می‌شود تا از طریق دوربین رسانه‌های بین‌المللی به جهان نشان دهند که رژیم اسلامی ایران از مشروعیت لازم برخوردار است و باآن همه کشتار و سرکوب مردم به پیشوازی تیغ جلاذ می‌روند. در تعدادی از این به اصطلاح انتخابات گاهگاهی صدایی به گوش می‌رسد که می‌توان از این پروسه یعنی کاندید شدن و فضای تبلیغات انتخاباتی و بازی‌های سیاسی شکل گرفته، بهره برده تا مردم بتوانند خواست‌هایشان را مطرح کنند و حداقل مردم حرف خود را بزنند. این استدلال چندین مشکل اساسی دارد: - اول اینکه، سال‌هاست که مردم ایران و علی‌الخصوص ملت کورد به شیوه‌های گوناگون خواست‌های خود را مطرح کرده‌اند و دهه‌هاست که این مردمان خواستار آزادی شده‌اند و وجود هزاران شهید و هزاران نفر که تجربه زندان‌هایرژیم اسلامی ایران را دارند و هم‌اکنون نیز زندان‌های رژیم پر است از زندانیان سیاسی،سند غیرقابل انکاری‌ست بر این ادعا که مردم سال‌هاست از خواست‌هایشان سخن گفته‌اند. - دوم اینکه، خود این استدلال در راستای منافع رژیم و خدمت به آن قرار می‌گیرد و این شبهه را ایجاد می‌کند که گویی مردم در آن روزها می‌توانند از خواست‌هایشان سخن بگویند و نتیجتا نمایش انتخابات در فضایی باز و آزاد برگزار می‌شود. در حالیکه به خوبی آگاهیم که به ویژه در کوردستان چه شبکه‌های جاسوسی و مزدوری با هزینه‌های گزاف ایجاد شده است که اگر کسی از کوچکترین خواست مردم سخن بگوید دچار چه سرنوشتی شده و در زندان چه چیزی چشم به راهش است. - سوم اینکه، تعدادی از کانال‌هایی که خود حکومت در شکل گرفتن آن دست داشته‌ست، در روزهای پیش از انتخابات به صحنه فرستاده می‌شوند -به ویژه در کوردستان- و به اصطلاح به تربیون مردم بدل می‌شوند و از خواست‌های مردم سخن می‌گویند. آنان سطح خواست‌های ملت کورد را آنچنان نازل و پائین می‌آورندکه با کمترین معیارهای رژیم اسلامی ایران هماهنگ‌شود و در حالی که از زبان ملت کورد سخن می‌گویند، خواست ملت را ارزان فروش می‌کنند. - چهارم اینکه، تعدای کانال و مهره – چه ازسوی حکومت شاررژ شوند و چه با اراده خود عمل کنند- وجود دارد که دایره فعالیت سیاسی و مبارزاتی مردم برای احقاق حقوقشان را آنچنان تنگ و محدود می‌کنند که تنها خود را در هر چهار سال یک بار و آنهم در نمایش انتخابات رژیم ببیند و تعریف کنند. آنان در فضای سیاسی ایجاد شده به ایراد سخنانی می‌پردازند و

ادامه در صفحه‌ی ۵

ادامه صفحه ۴

و لیبی و حالا نیز سوریه کنید؟ در کوردستان نیز آن‌هایی که در بازی سیاسی رژیم شرکت دارند می‌پرسند: خوب بایکوت کردن تا بحال چه چیزی را تغیر داده که دوباره این موضع کهنه و فرسوده را در پیش گرفته‌اید؟ آن‌هایی نیز که در خارج از کشور سیمای به ظاهر اپوزسیون به خود می‌گیرند این گفته را ترویج میکنندکه بایکوت کردن یعنی دچار شدن به سرنوشت لیبی و سوریه و عراق، در واقع اینان مهره‌های تحریک شده توسط سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی رژیم اسلامی ایران هستند که اینگونه گفتمانی را رواج داده و کسان دیگری که خوانش درستی از اوضاع ندارند، به دام ژست به اصطلاح سیاسی، روشنفکری، وطن دوستی مهره‌های رژیم می‌افتند و می‌گویند که برای آنکه مانع از ویرانی ایران شویم

بهتر آنست که مردم مابین بد و بدتر، به گزینه بد رایبدهند و انشالله رئیس جمهور جدید حتما چیزی را در ایران تغیر خواهد داد!! پیش از هر چیز باید متذکر شویم که عدم مشارکت در نمایش رژیم، به معنای نوکری برای بیگانه و آرزوی ورود تروریسم به ایران نیست! آنکس که نمایش انتخاباتی رژیم را بایکوت می‌کند با این موضع‌گیری سیاسی خود، اعلام می‌کند که من این رژیم را قبول ندارم. این جمهوری اسلامی‌ست که با پیش بردن برنامه‌هایش می‌خواهد اینگونه نشان دهد که یا جمهوری اسلامی یا ویران شدن ایران، کدامیک را انتخاب می‌کنید؟ همانگونه که در سوریه نیز این نقشه را عینا اجرا کردند و با کمک به گروه‌های تروریستی چون داعش و النصره به جهانیان گفتند که اگر در نابودی اسد نقش داشته باشید

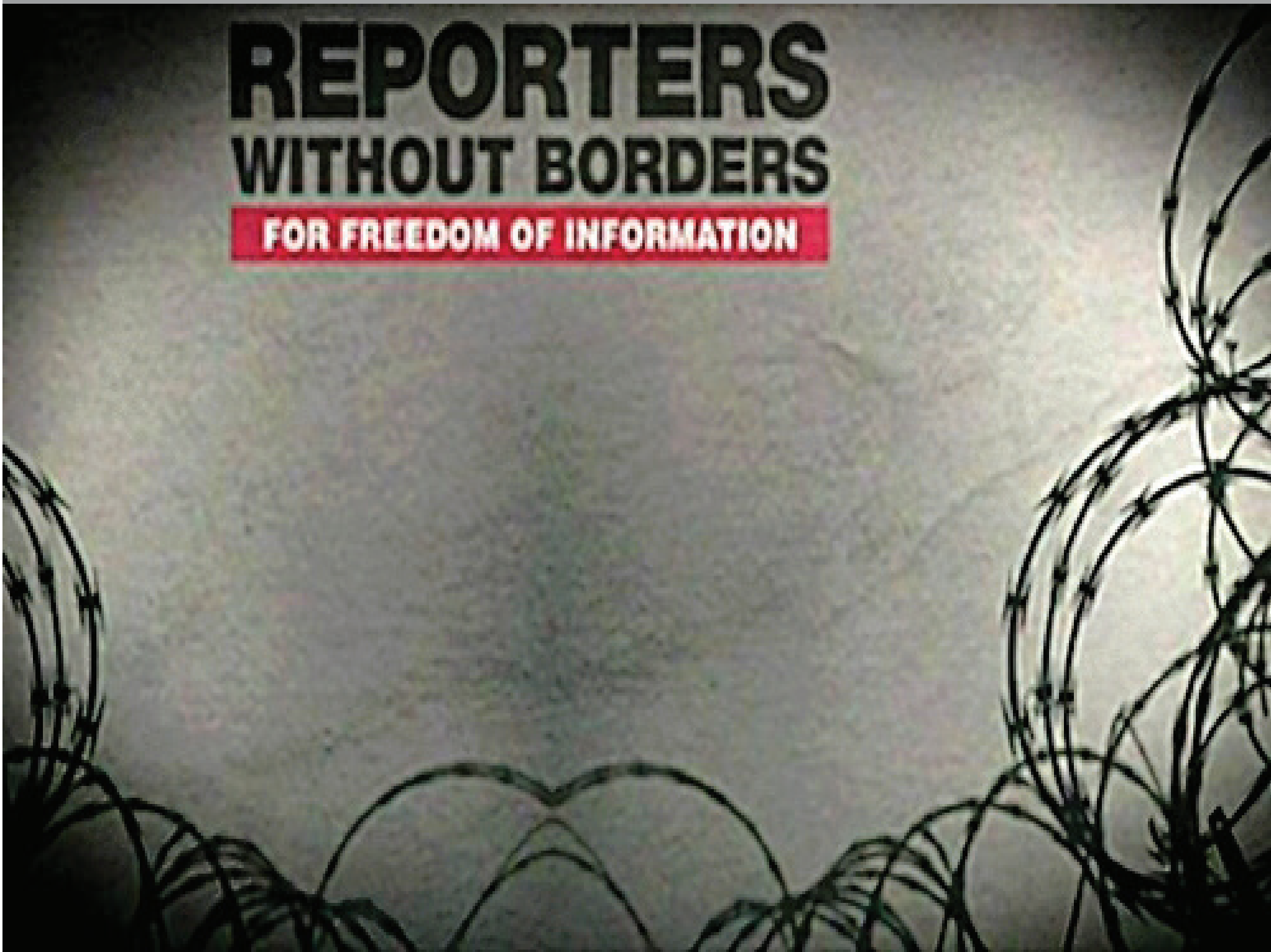
و کمک کنید، جای اورا داعش خواهد گرفت. این سیاست به معنای گروگان گرفتن آینده است. به اینصورت جمهوریاسلامی و مهره‌ها و فریب‌خورده‌هایش، اینگونه نشان می‌دهند که آینده‌ی بدون جمهوریاسلامی یعنی ویرانی و به همین خاطر باید مطیع باشید و امید و آرزوهایتان باید در اختیار ولی فقیه و بازی‌هایش باشد و چشم به راه رفت او باشید تا شاید چیزی به شما ببخشد. آن‌هایی هم که در کوردستان می‌گویند بایکوت چه چیزی را تغیر داده است؟ بنیاد نمایش انتخاباترا درک نکرده‌اند و هنوز نمی‌دانند آنچه که ولی فقیه انجام می‌دهد، تنها و تنها یک بازی سیاسی‌ست که نتایج آن نصیب باندهای درون حکومت می‌شود و شاید هم پسمانده‌ای نصیب بعضی از مهره‌های وابسته به

باندهای حکومت در کوردستان شود و آنان حاضرند که آمال‌های ملتی را به پسمانده‌ای بفروشند. اما از خود بازی سیاسی مهمتر آنست که رژیم ولایت فقیه، با نمایش انتخابات ریاست جمهوری نوعی استراتژی را پیش می‌برد که عبارتست از، " نشان دادن ایران به مثابه امت واحده اسلامی" و مردم را چون گله‌ای جمع کردن و نقش چوپان را ایفا کردن. رژیم اسلامی در اجرائی کردن این سیاست استراتژیک، موانع بزرگی پیش روی خود دارد که مهمترین آن، کوردستان است. سیاست امت واحده اسلامی قصد داردکه همه مردم ایران را با تمام تفاوت‌های ملی، آئینی، فرهنگی، جغرافیایی و... از هویتشان تهی کرده و بنابر تعریفی که حکومت خواهان آنست به بازتعریف آن‌ها بپردازد و به یکدست سازی و یکرنگ کردن

آن‌ها که تنها نظاره‌گر یک نقطه – یعنی جماران- باشند، بپردازد و تمام آرزوها و امیدشان را در سخنان و سیمای نورانی ولی فقیه ببینند. سال‌هاست که رژیم در تلاش است، کوردستان را از هویت خود تهی کند و هویت مشخص شده از سوی تهران را به آن‌هایقبولاند. رژیم اسلامی،سیاست مذکور را در تمام نقاط ایران پیش می‌برد و علی‌الخصوص نسبت به کوردستان و ملت کرد با حساسیت بیشتری می‌خواهد مردمکرد را در بازی‌های سیاسی و نمایش‌های تهران شرکت دهد و آرمان‌هایشان را غصب کند. و تمام این چارچوب را در هم خواهیم ریخت. موضع بایکوت بازی ولی فقیه، اراده انقلابی ملتی‌ست که به رژیم می‌گوید "نه". این"نه" گفتی، در گذشته و حال و آینده بازتاب داشته و خواهد داشت و تاریخ مجزایی را برای ملت کرد به

سازمان گزارشگران بدون مرز:

بیش از ۵۵ میلیون رأی دهنده ایرانی از اطلاعات آزاد و مستقل محروم هستند



سازمان گزارشگران بدون مرز طی جدیدترین گزارش خود، ایران را در ارتباط با نبود آزادی اطلاعات و عدم استقلال رسانه‌ها، محکوم کرد. این سازمان جدیدترین گزارش خود را تحت عنوان "بیش از ۵۵ میلیون رأی دهنده از اطلاعات آزاد و مستقل محروم هستند" منتشر کرد. این گزارش با اشاره به مسدود شدن پخش زنده اینستاگرام با دستور دستگاه قضایی متذکر شد: اینستاگرام در ایران به

شدت مهار می‌شود اماهنوز به شکل کامل مسدود نشده است. این گزارش همچنین به سخنان دادستان عمومی ایران در رابطه با مسدود کردن امکان تماس صوتی اشاره کرده و افزوده: ۳ اردیبهشت، دادستان کل "محمد جعفر منتظری" با دفاع از مسدود کردن امکان تماس صوتی تلگرام درباره علت آن گفت " تمام دستگاه‌های اطلاعاتی، امنیتی و انتظامی عنوان کردند که این سیستم به دلایلی

خلاف امنیت کشور است." با وجود ممنوع بودن شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای کاربردی در ایران به مانند توئیتر، فیس‌بوک و... اما این شبکه‌ها نقشی مهم در عرصه اطلاع‌رسانی ایفا می‌کنند. صفحه‌ها و حساب‌های کاربری برخی از مقامات رسمی و کاندیداهای انتخابات نیز در این شبکه‌ها بسیار فعال هستند. در این گزارش به شرایط حاکم بر انتخابات پیش‌روی ایران نیز

پرداخته شده و پایمال شدن حقوق شهروندی مردمان ایران از سوی دستگاه حاکمه مورد بحث قرار گرفته است در این بخش از گزارش آمده است: حتا در فضای کارزار انتخاباتی، قربانی اصلی جنگ قدرت میان جناح‌های نظام در ایران، نادیده انگاشتن تام و تمام آزادی اطلاع‌رسانی و حق دانستن شهروندان است. گزارشگران بدون مرز در این باره می‌گوید : "حق دسترسی

رسانه‌ها و سرکوب روزنامه‌نگاران، که آن‌ها را از ایفای نقش اطلاع رسانی آزاد در باره انتخابات محروم می‌کند، ابراز می‌کند. در ادامه گزارش آمده است: با ۲۸ گزارشگر زندانی، ایران یکی از ۵ زندان بزرگ جهان برای روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای است. جمهوری اسلامی ایران باید به این وضعیت غیر قابل قبول پایان دهد و پیش از هر کاری همه فعالان رسانه‌ای زندانی را آزاد کند

روحانی، مهره ای حیاتی برای نظام



● آسو صالح

شود یا در نهایت اگر مهندسی پاسخگو نباشد، کاندید مورد نظر (باتوجه به وظیفه یا وظایف محوله)، از صندوق رای خارج شود. آوردن روحانی با مهندسی روانی "انتخابات" اگر به حافظه تاریخی‌یمان رجوع کنیم، متوجه می شویم که تا پیش از اعلام اسامی کاندیداهای تأیید صلاحیت شده از سوی شورای نگهبان برای یازدهمین دوره از ریاست جمهوری رژیم اسلامی ایران، نام روحانی در هیچ یک از لیست‌های اصولگرایان، اصلاح‌طلبان و طیف احمدی نژاد‌مشایی قرار نداشت. اصولا نام روحانی در تقابل با دیگر نامزدها مطرح شد، گویی که مهندسی آن دوره از انتخابات، نه از طریق سخت افزاری، بلکه بیشتر یک مهندسی روانی، از طریق چیدمان مهره ها(نامزدهای اصلاح طلب و اصولگرا) بود. در اردوگاه اصلاح طلبان، همه چشم به ممدص خاخی و اعلام آمادگی وی برای کاندیداتوری او دوخته بودند، ولی خاخی طی اظهاراتی در زمان‌های مختلف، تلویحا اعلام کرد که خامنه‌ای اجازه حضور وی در انتخابات را نداده است. پس از وی، نگاه‌های اصلاح طلبان به هاشمی رفسنجانی معطوف شد، کسی که برای نامزد شدن اجازه ی "آقا" را لازم نداشت و رد صلاحیتش محلی از اعراب نداشت. ولی هاشمی هم رد صلاحیت شد.

با رد صلاحیت هاشمی، اصلاح طلبان حکومتی به روحانی و عارف چشم دوختند. عارف انصراف داد و روحانی تنها نامزدی باقی ماند که بخشی از حاکمیت تحت عنوان اصلاح طلبان، خود را به وی نزدیکتر می دیدند. اما برای یک مهندسی روانی، نیاز بود که اردوگاه اصولگراها هم دستکاری شود. بدین ترتیب با وجود چند نفر از چهره های اصولگرا (در راس آنها جلیلی، ولایتی و قالیباف)، اردوگاه اصولگرایان دچار انشقاق شد. این درحالی بود که اصلاح طلبان که تا چند روز پیشتر با رد صلاحیت هاشمی صحبت از عدم شرکت را مطرح کرده بودند (اشاره به نامه مصطفی تاجزاده از زندان)، از روحانی به عنوان نامزد واحدشان حمایت کردند. چرایی مهندسی به این صورت؟ دو دلیل عمده برای مهندسی انتخابات یازدهم ریاست جمهوری و آوردن یک رئیس‌جمهور از طیف میانه (اعتدالگرا) عبارتند از: اول، کاهش اختلافات درون جناحی (اصلاح طلبان و اصولگرایان) و یکدست نمودن حاکمیت. پس از انتخابات جنجالی سال ۱۳۸۸ و اعتراضات گسترده مردم، دایره ی "خودی‌ها" بسیار تنگ شده و حاکمیت دچار یک انشقاق بی سابقه شده بود. جدا شدن بخشی از بدنه حاکمیت (برای مثال دیپلمات‌ها در دستگاه روابط خارجی و پناهنده شدن آنها به کشورهای خارجی)، حذف بخش دیگری از حاکمیت (از طریق بازداشت برخی از سران نظام که بیشتر پست های دولتی داشتند، و محاکمه آنها) و اختلافات جدی سران عالی‌رتبه نظام (برای مثال اختلاف هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و طرد رفسنجانی از امامت جمعه تهران)، همه دال بر این شکاف عمیق در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران داشتند. وجود فردی که طیف طرد شده، آن را کاندیدای خود بداندند برای یکدست نمودن دوباره حاکمیت لازم بود. روحانی چنین مهره ای بود، چون هم طرد شدگان او را نزدیک به خود می دانستند، هم اصولگراها حساسیت کمتری (در مقایسه با خاخی و رفسنجانی) نسبت به وی داشتند. روحانی لازم بود که در عین حال که "کلید" تغییر را بلند می کند، باید تضمین هم نماید که از چارچوب‌های تعیین شده اصولگرایان تجاوز نخواهد کرد. بدین ترتیب ضمن

اینکه در همایش‌های انتخاباتی خود خواستار شکستن فضای امنیتی و رفع حصر می شد (اشاره به سخنرانی روحانی در ستاد جوانان حامی خود در حسینیه جماران)، همزمان به رهبری اطمینان می داد که مطیع و همراهش خواهد بود. در همین راستا روحانی یک هفته قبل از انتخابات به خامنه‌ای نامه‌ای نوشت و بر "مطیع و همراه بودن" خود تأکید کرد. خبر ارسال این نامه از سوی اصولگرایان (محمد رضا باهنر نایب رئیس مجلس) منتشر شد که نشان می داد روحانی نگرانی‌ها را از اردوگاه اصولگرایان کاهش داده است. حسن روحانی همچنین در حالی که در بیانیه پیروزی خود از خاخی و رفسنجانی تشکر کرده بود، سخنانش در اولین کنفرانس مطبوعاتی پس از اعلام پیروزی در انتخابات، از سوی اصولگرایان تحت عنوان "عمل اصولگرایانه" تلقی شد (اشاره به سخنان احمد خاخی عضو مجلس خبرگان) و مورد استقبال آنها قرار گرفت. بدین ترتیب روحانی نشان داد که هم دغدغه‌های اصلاح طلبان و هم اصولگرایان را رفع کرده و مهره‌ای عالی برای گرد هم آوردن دوباره خانواده جمهوری اسلامی (اصلاح طلبان و اصولگرایان) خواهد بود، چیزی که در آن زمان، برای نظام اسلامی ایران، حیاتی تلقی می شد. دومین دلیل برای آوردن روحانی، حل بحران های جدی بود که گریبانگیر نظام جمهوری اسلامی شده بود. مهمترین آنها بحران سیاست خارجی و بحران اقتصادی (در نتیجه تحریم ها) بودند. برای حل مهمترین بحران که در زمینه سیاست خارجی بود، وجود یک تیم با ادبیات معتدل‌تر که سابقه حضور در مذاکرات و دستگاه دیپلماسی را داشت، ضروری به نظر می رسید. نیز خود را برای وجود چنین فردی (تیمی) آماده کرده بودند، به طوری که پس از رد صلاحیت نامزدهای اصلاح طلبان، جان کری، وزیر وقت امور خارجه آمریکا واکنش نشان داد. حسن روحانی، مدتی در مقام دبیر شورای عالی امنیت ملی در جریان مذاکرات (و در راس آنها) با غرب قرار داشت و یکی از چهره های شناخته شده برای غرب بود. همین امر اهمیت وی را بر فردی مانند علی اکبر ولایتی که زمان زیادی وزیر امور خارجه بود دوچندان می کرد.

به علاوه علی اکبر ولایتی در لیست ترور برخی از کشورهای غربی قرار داشت و همین امر می توانست به روند مذاکرات با غرب لطمه بزند. ولایتی همچنین فردی بود که بخش دیگر حاکمیت (اصلاح طلبان) با وی احساس نزدیکی نمی‌کردند. رژیم اسلامی ایران حل بحران سیاست خارجی را در اولویت خود قرار داده بود. آنها معتقد بودند که بحران اقتصادی با شتاب بیشتری در حال گسترش و تعمیق است (به ویژه با کاهش قیمت نفت و تحریم فروش آن). به همین دلیل لازم بود که سیستم نظامی (دولت پادگانی- احمدی نژاد) به یک سیستم دیپلماتیک (دولت مذاکره گر- روحانی) تغییر داده شود. مقصود از سیستم نظامی یا دولت پادگانی، نه تنها افزایش قدرت نظامیان (سپاه)، بلکه سیستمی است که در آن باید اطلاعات به صورت مطلق باشد و هیچگونه معترضی حق وجود ندارد. در عین حال این سیستم از زبان دیپلماتیک فاصله دارد و مدام مانور زبانی (تهدید) و نظامی برگزار می کند. دولت اول احمدی نژاد و تا حدودی دولت دوم آن چنین سیستمی بودند. ولی این دولت‌ها (نهم و دهم احمدی نژاد) هیچ نتیجه مثبتی در داخل و در زمینه حل مساله اقتصادی نداشتند. تأکید می کنم که در "داخل"، چون در زمینه افزایش نفوذ ایران در کشورهای منطقه و تثبیت حضور ایران در خارج از مرزها، این دولت توانسته بود که موفق عمل نماید. اما حضور ایران دیگر تثبیت شده بود و تغییر سیستم برای حل مشکل اقتصادی لازم به نظر می رسید. اولویت رژیم تغییر کرده بود و لازم بود که بستر مناسبتری برای نیل به این اولویت مدنظر گرفته شود. با توجه به موارد فوق، روحانی و دولتش می توانستند چنین بستری را فراهم کنند. دلایل دیگری نیز برای مهندسی انتخابات به طرز بیان شده وجود دارند که از اهمیت کمتری نسبت به موارد فوق برخوردارند. یکی از این دلایل ایجاد فضایی بود که تعداد هرچه بیشتری از مردم در انتخابات شرکت کنند. حاکمیت این احتمال را بسیار قوی می‌دانست که مردم که در انتخابات گذشته هزینه های فراوانی را متحمل شده بودند، بسیار کمتر در انتخابات جاری شرکت کنند، به همین دلیل لازم است فضایی (کنترل

شده) ایجاد شود تا درصد مشارکت مردم افزایش یابد. در کنار ایجاد فضای هیجانی، دادن این ضمانت بود که در انتخابات جاری کاندیدای مردم انتخاب خواهد شد. این ضمانت می توانست از سوی اصلاح طلبان، به عنوان یکی از جریاناتی که در جریان اعتراضات سال ۸۸ یکی از طرف‌های دخیل بودند، داده شود تا از مقبولیت بیشتری نزد مردم برخوردار شود. وجود نامزد اصلاح طلبان و شرکت آنها در انتخابات، به معنی اعلام این ضمانت بود. رژیم برای ایجاد این فضا از اقداماتی مشابه انتخابات سال ۷۶ و آوردن خاخی استفاده کرد. برای مثال در یک اقدام نادر، عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان گفت که روحانی ابتدا رد صلاحیت شده بود، ولی با وساطت احمد جنتی (ریاست شورا) تأیید صلاحیت گردید. بدین ترتیب روحانی را در برابر نظام یا حداقل در برابر طیف حاکم نظام (اصولگرایان) معرفی کردند. این اقدامات روانی در مهندسی روانی انتخابات گذشته چنان با موفقیت از سوی حاکمیت انجام شد، که "اپوزیسیون نیمه جان رسانه‌ای" (منظور بخشی از اپوزیسیون خارج از کشور که به سفارتخانه های رژیم رفته و رای خود را در صندوق انداختند. این طیف فاقد هرگونه تشکیلات می باشد و تنها تریبون رسانه‌های اصلاح طلبان در خارج از کشور را در اختیار دارند) پیروزی روحانی در انتخابات را جشن گرفتند. برای مثال اتحاد جمهوری‌خواهان ایران با صدور بیانیه ای ضمن ابراز خرسندی از انتخاب روحانی اعلام کرد که "امید به تغییر پیروز شده است". سازمان فدائیان خلق (اکثریت) نیز با انتشار بیانیه ای "پیروزی در انتخابات را به مردم ایران" تبریک گفتند. اپوزیسیون نیمه جان رسانه‌ای دیگر حزب دمکراتیک مردم ایران بود که تیتَر "پیروزی درخشان ملت ایران در انتخابات ریاست جمهوری" را برای بیانیه خود برگزیده بودند. بدین ترتیب حسن روحانی یازدهمین رئیس‌جمهور رژیم اسلامی ایران شد. روحانی وعده‌هایی را داده بود، آیا تمام این وعده‌ها را نادیده خواهد گرفت؟ وظیفه تعیین شده برای روحانی به چه صورت انجام می گیرد؟ در شماره‌های بعدی سعی می شود که پاسخ این دو سوال با بررسی چهارسال اخیر، داده شود.



رستم جهانگیری:

کردستان بدون کرماشان، ایلام و ارومیه به مانند کالبدی ناقص است

در گفتگویی اختصاصی با روزنامه‌ی "کردستان"



- گفتگو: شهرام میرزائی**
- ترجمه: ژيلا مستاجر**

وقتی از "ظلم ملی" سخن می‌گوئیم در واقع به تاریخ ملتی اشاره می‌کنیم که بیش از ۲۵۰۰ سال ژینوساید، آسمیلاسیون فرهنگی، اشغال سرزمین‌اش، استثمار، تبعید، زندان و نابودی محیط زیست‌اش را با پوست و استخوان لمس و تجربه کرده است و با تمام این اوصاف تاریخی مالا مال از مقاومت و مبارزه برای بدست آوردن آزادی و حاکمیت ساییسی و ساخت یک زندگی انسانی در چارچوب جغرافیای دیارش ثبت و ضبط کرده است. در این تاریخ تراژیک، ما براساس تفاوت‌های ژئوپولیتیکی و همچنین بنابر شرایط موجود، شاهد طراحی و اجرای برنامه‌های مدونی در راستای نابودی ملتمان در هر قسمت از سرزمین‌مان کردستان، از سوی اشغالگران این دیار، بوده و هستیم. در این شماره از "باشوور زاگروس" بر آن شدیم تا برای بررسی هرچه بیشتر فضای سیاسی-اجتماعی کردستان و شیوه‌های اجرای توطئه‌های دشمنانمان علیه ملت کرد، در دو بخش بسیار مهم و استراتژیک کردستان یعنی کرماشان و ارومیه، که نقشی تمام کننده در قیام آزادیخواهانه ملتمان دارند، گفتگویی با رفیق مبارز، رستم جهانگیری، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران داشته باشیم، که متن کامل این مصاحبه در سطور پائین از نظر خوانندگان روزنامه "کردستان" خواهد گذشت.

مساله‌ی زبان مادری و تلاش‌های رژیم اسلامی ایران برای نابودی زبان کردی در کرماشان و ارومیه، اصلی‌ترین تهدیدی‌ست که جنبش آزادیخواهانه‌ی کردستان با آن روبروست، احزاب و فعالین کرد در برابر این سیاست فاشیستی چه وظیفه‌ای بر دو ش دارند و در رابطه باید چه کرد؟

حقیقت دارد که رژیم‌های ایران، یکی پس از دیگری، در صدد از بین بردن زبان کردی در این دو

تا از طریق مقاله و نشریه و بعدا از راه رادیو و تلویزیون به صدای ملت‌اش بدل شود و در حفظ و پیشرفت زبان و فرهنگ کرد نقش خود را ایفا کند و به مانعی قوی در برابر توطئه دشمنان کرد در سراسر کردستان به ویژه استان‌های ارومیه و کرماشان و ایلام تبدیل شده است و واقعا تاثیرات مثبتی نیز در این مساله بر جای گذاشته است.

به لباس کردها بی‌احترامی می‌کردند، در ادارات حکومتی، بازار و محافل مورد بی‌احترامی قرار می‌گرفتند و تلاش این حکومت‌های فاشیستی بر نابودی غرور و شخصیت کردها استوار بود. از نظر فرهنگی در صدد بوده‌اند تا زبان کردی را ممنوع کنند، اجازه نداده‌اند که به زبان کردی بخوانند و حتی صحبت کنند، اجازه‌ی نوشتن و انتشار روزنامه و هرگونه نشریه‌ای به زبان کردی وجود نداشته، تا کردها را با زبان خویش بیگانه کنند و از زبان و فرهنگ خود دور شوند و احساس و عشق کرد بودن خود را از یاد ببرند، اما این سیاست ضد انسانی نه تنها بی اثر بلکه برعکس باعث شد که کردها بیشتر از پیش در برابر زبان و فرهنگ خود احساس مسئولیت کنند و نقشه‌های رژیم را خنثی کند.

چرا ما تا کنون نتوانسته‌ایم در برابر آسمیلاسیون فرهنگی ملتمان که از دوران رضا شاه تا کنون با شدت و حدت مضاعفی نسبت به گذشته اجرا شده است، سیاستی کارا و مشخص در پیش بگیریم؟ به عبارت دیگر چرا مبارزه فرهنگی در نزد نیروهای کردی از جایگاه مناسبی برخوردار نیست؟

در دوران حکومت رضاشاه به این دلیل که سرکوب مردم به صورت گسترده‌ای آغاز شده بود و نیروهای کردی نیز از چنان قدرت قابل توجهی برخوردار نبودند، رژیم حاکم توانست تا حدودی به اهداف خود دست یابد و سیاست آسمیله‌ی کرد را اجرایی کند. اما با ایجاد فرصت‌های مناسب در دوره‌ی جمهوری کردستان -۱۳۲۴- و همچنین دوران پیروزی انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷، تمام تلاش‌های مخالفین کرد بی نتیجه ماند، زیرا فرزندان کرد توانستند طی آن سال‌ها خود را سازماندهی و در بخش‌های فرهنگی صدها کتاب و روزنامه منتشر کنند که از سوی مردم مورد استقبال قابل توجهی قرار گرفت. همه‌ی این اقدامات به پیشرفت و قدرت گرفتن احساس ملی‌گرایانه و تاثیرات بسزایی در اتحاد کردها انجامید.

هرچند که رژیم برای تعطیلی مراکز انتشار کتاب و روزنامه و همچنین دستگیری نویسندگان و روشنفکران بسیار کوشید و آنها را به حبس‌های دراز مدت محکوم کرد، اما نتوانست اعتقادات ملی‌گرایانه و آزادی‌خواهانه‌ی آنان را قبضه کند. این تاریخ است که به روشنی به ما می‌گوید، کردها را نمی‌توان آسمیله کرد. این یک حقیقت است که ملت کرد با توجه به تمامی سرکوب‌ها، هجوم‌ها و حملاتی که به آن‌ها شده و حتی زمانی که آنها را از وطن خویش تبعید کرده‌اند، توانسته‌اند مقاومت کنند و فرهنگ و زبان و خود را در برابر سیاست‌های ضد انسانی رژیم‌های حاکم حفظ کنند. درست است که کردها هنوز نتوانسته‌اند به حقوق کامل و حقه خود دست یابند، اما تاکنون مقاوم بوده‌اند و همیشه بر قیام خود جهت دستیابی و احقاق حقوق خویش پافشاری کرده‌اند.

ارومیه و کرماشان به مثابه دو شهر اصلی و بزرگ کردستان که از نظر ژئوپولیتیکی از اهمیت خاصی -چه برای کردها و چه برای ایرانیان- برخوردارند، همیشه هدف اصلی سیاست‌های فاشیستی و ضدبشری حکومت‌های مرکزی ایران بوده‌اند تا ازاین طریق بتوانند مانع از گسترش جنبش آزادیخواهی کردستان در این شهرها شوند. وظیفه ما به مانند حزب دمکرات برای مقابله با این سیاست و گسترش جنبش ملی-دمکراتیک ملت کرد در این دو شهر چیست؟

به نظر من مناطق کرماشان و ارومیه در شرق کردستان از نظر

ژئوپولیتیکی و موقعیت جغرافیای و همچنین نیروی انسانی هم برای کردها و هم دشمنان آنها حائز اهمیت است. کردها باید در این شهرها نیروهای خود را سازماندهی و قدرتمند نمایند. من بر این باورم در آینده هر جریانی که بر شهرهای ارومیه، کرماشان و ایلام تسلط داشته باشد، می‌تواند هژمونی خود را بر دیگر جریانات بقبولاند. از نظر سرزمینی، این مناطق بخشی از کردستان محسوب می‌شوند، برای همین من بر این باور هستم که اگر در آینده این مناطق بخشی از حاکمیت سیاسی کردستان نباشند، حفظ آن حاکمیت سخت و لوزان خواهد بود، درست مثل یک انسان ناقص‌العضو، اگر این استان‌ها بخشی از حاکمیت کردستان نباشند، این حاکمیت مانند انسان فلجی‌ست که تنها می‌تواند حرف بزند و به حیات خود ادامه دهد اما نمی‌تواند بر روی پاهای خود بایستد و راه برود. یعنی کرد بدون این استان‌ها فلج می‌باشد.

در مرحله‌ی نوین قیام آزادیخواهی کردستان – معروف به راسان- که "شار" مرکز قیام و مبارزه است، فعالین سیاسی-فرهنگی-مدنی کرد چگونه می‌توانند خود و جایگاهشان را در این مرحله تاریخی از مبارزات ملتمان تعریف کنند؟

در دور جدید مبارزات کردها، تمام استان‌ها سهیم بود و هر بخش از کردستان تاثیر خود را خواهند داشت، بر همه لازم است که مسئولانه نقش خود را ایفا نمایند و به باور من اگر در "راسان" کرماشان و ایلام و ارومیه به شیوه‌ای فعال

حضور یابند، همانگونه که در دو دوره حساس و مهم تاریخ مبارزاتی ملتمان به اثبات رسیده، مطمئنا موفقیت ما حتمی خواهد بود. اولین دوره به سال‌های تاسیس جمهوری کردستان برمی‌گردد که به علت قرار نداشتن شهرهای کرماشان و ارومیه در چارچوب حاکمیت کردستان، میزان مقاومت این حکومت ضعیف و نهایتا در مدت زمان کوتاهی به سقوط آن انجامید. همچنین در سال ۱۲۵۷ و در پی قیام ملیت‌های ایران از آنجا که مردمان کرماشان، ایلام و ارومیه در آن نقش قابل توجهی نداشتند ، جنبش ملی-دمکراتیک ملتمان دچار ضعف اساسی شد، چرا که اگر این مناطق بخشی از جنبش می‌بودند، قیام ملی-دمکراتیک کردستان چه از نظر وسعت خاک و چه نیروی انسانی و چه قدرت اقتصادی در موقعیت دیگری قرار داشت و دشمن نمی‌توانست به آسانی کردها را ناچار به عقب نشینی بکند و حتی در سطح بین‌المللی نیز از جایگاه دیپلماتیک بسیار چشمگیری قرار می‌گرفتیم.

برای همین ضروری‌ست تا جوانان ایلام، کرماشان و ارومیه دوشادوش جوانان سته و موکریان وارد میدان مبارزه شده و ایفای نقش نمایند و توان خود را نشان دهند. آن زمان می‌توان ادعا کرد که مبارزه ما سرتاسری بوده و در غیر اینصورت همانطور که در بالا اشاره نمود حاکمیت کردی ناقص می‌باشد و نمی‌تواند رو پاهای خود بایستد.

زخمی شدن یک شهروند آبدانانی

در پی شلیک مستقیم

نیروهای انتظامی ایران



موجب زخمی شدن او می‌شوند. بنابر این خبر نیروهای پلیس چهار کوله به سوی او شلیک می‌کنند. خبرگزاری حکومتی "ایسنا" طی گزارشی به تأیید این خبر پرداخته است.

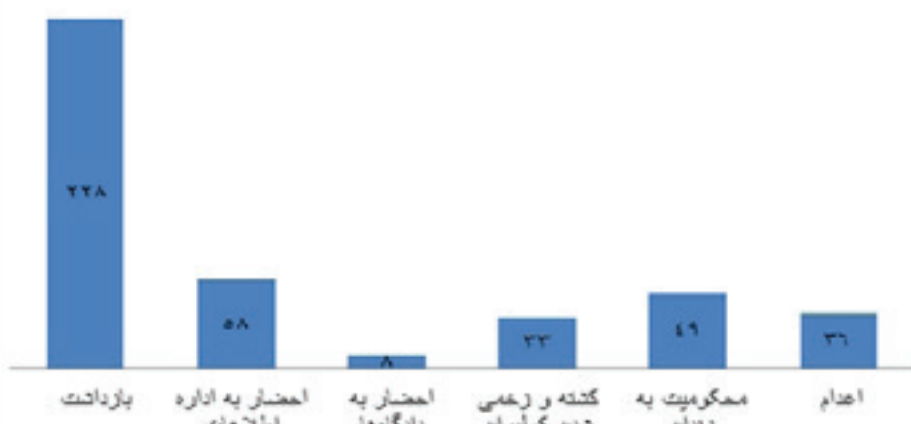
رسیدگی مسئولین به خواست‌ها این شهروند، جر و بحث و مشاجره‌ای مابین او و مسئولین مربوطه شکل می‌گیرد که نهایتا نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران در صحنه حاضر شده و با شلیک مستقیم به این شهروند غیر مسلح

بنابر اخبار منتشره جوانی ۲۸ ساله اهل شهرستان آبدانان برای رسیدگی به خواست‌هایش به اداره امور عشایر در این شهر رفته بود که نهایتا به مشاجره با مسئولین این اداره می‌انجامد. بنابراین خبر، در پی عدم

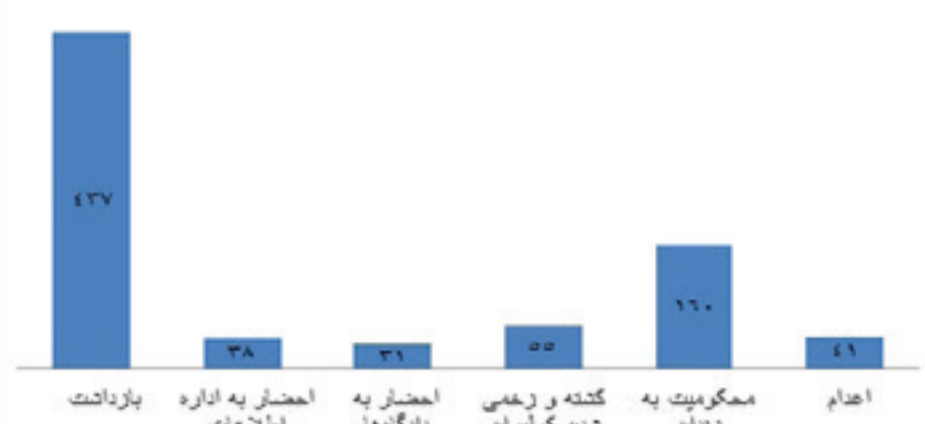
آژانس خبرسانی کُردیا

در آستانه دور دوازدهم انتخابات ریاست جمهوری حکومت اسلامی ایران
درصد است بارزترین آمار نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران را
بصورت نمودارهایی ۶ ماهه ارائه دهد.

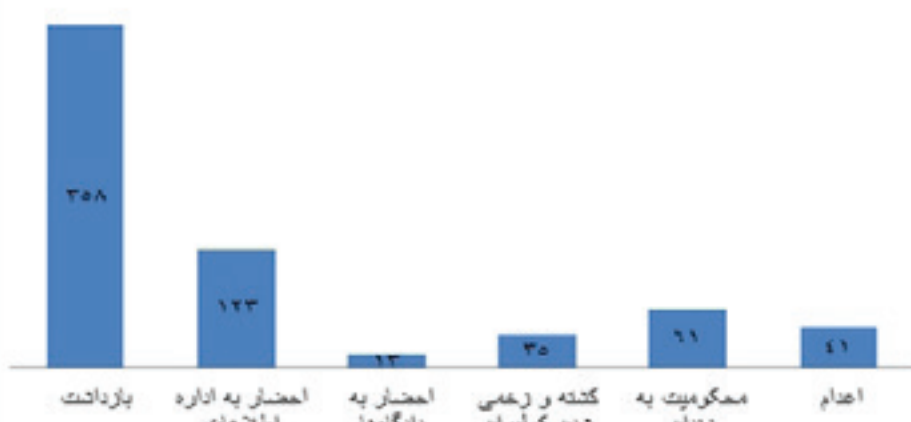
بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه دوم دولت روحانی



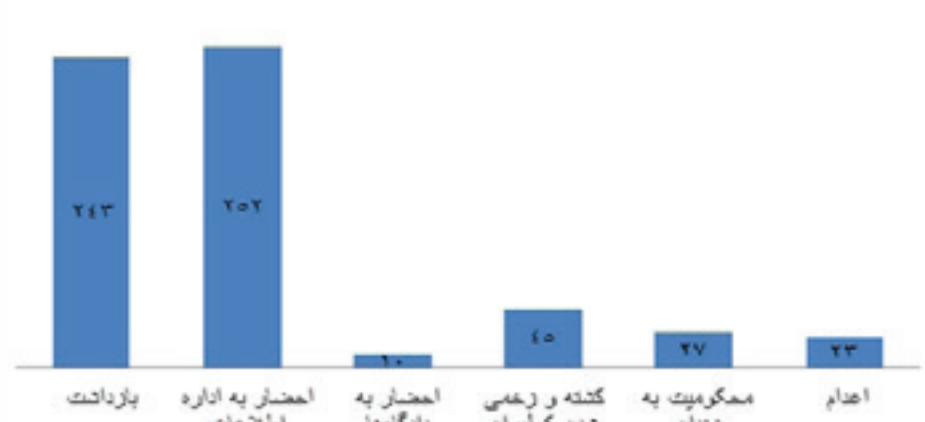
بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران
در ۶ ماهه اول دولت روحانی



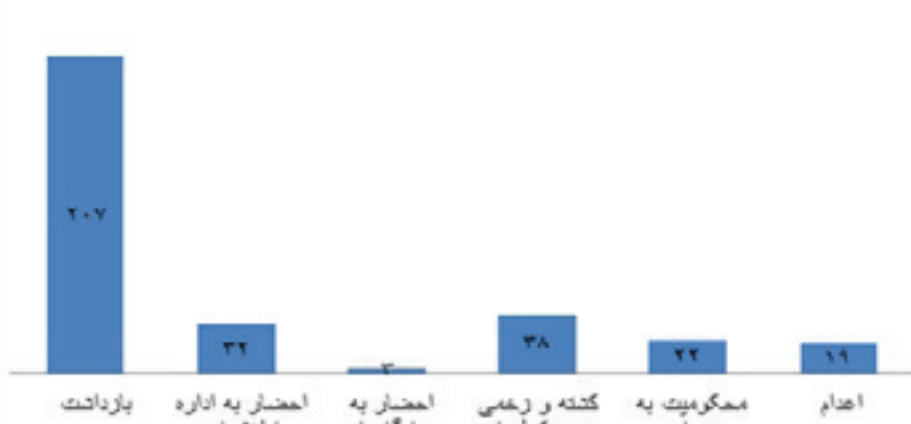
بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه چهارم دولت روحانی



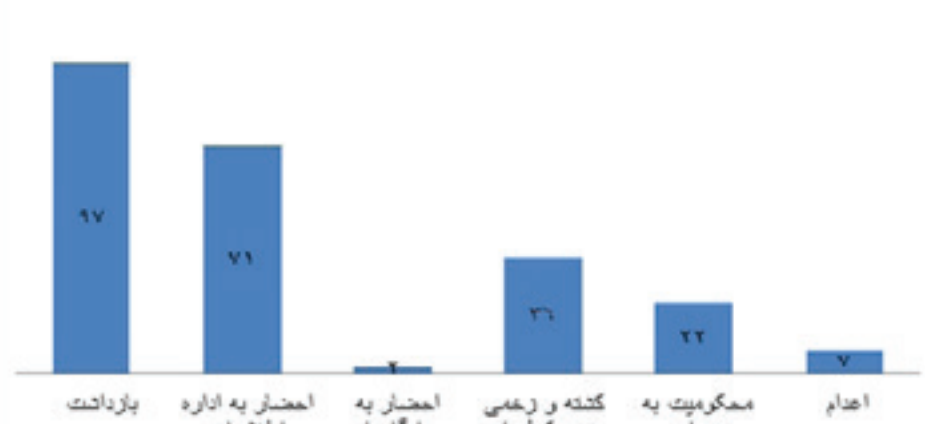
بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه سوم دولت روحانی



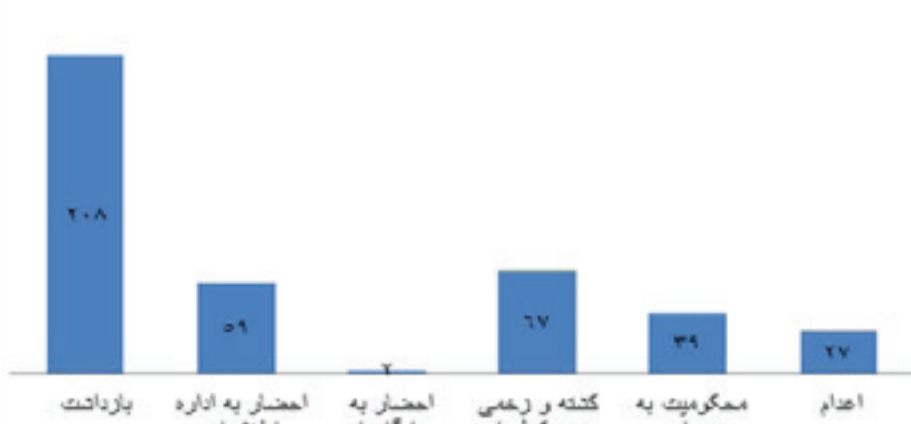
بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه ششم دولت روحانی



بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه پنجم دولت روحانی



بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه هشتم دولت روحانی



بارزترین موارد نقض حقوق بشر در مناطق کُردنشین ایران در
۶ ماهه هفتم دولت روحانی

